

توضیح «راه آزادی»: در آستانه برگزاری هشتمین دور انتخابات ریاست جمهوری در ایران، به ابتکار رادیو آزادی مناظره‌ای بین عبدالله حسن زاده دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران و مهدی خانبابا تهرانی، یکی از فعالین سیاسی چپ دموکرات در خارج از کشور برگزار شد. از آنجا که مسائل طرح شده در این مناظره، دو شیوه تفکر و دو نگرش متفاوت سیاسی را - نسبت به جنبش اصلاحات در ایران - بازتاب می‌دهد، متن پیاده شده این نوار چاپ می‌شود. گفتنی است که فریدون زرنگار از طرف رادیو آزادی پرسشگر و گرداننده این گفت‌وگو بوده است.

زرنگار - آقای حسن‌زاده، حزب دموکرات کردستان طی بیانیه‌ای اعلام کرد که هشتمین دور انتخابات ریاست جمهوری را تحریم می‌کند. به نظر شما که دبیر کل این حزب هستید، چرا حزب دموکرات چنین تصمیمی گرفته است؟

حسن‌زاده - به نظر ما مردم ایران به تجربه دریافته‌اند که از طریق انتخابات و از طریق انتخاب این یا آن عنصر جمهوری اسلامی نمی‌توانند به اهدافشان برسند. موضع ما هم با الهام از خواسته‌های عمومی مردم ایران، بخصوص مردم کردستان چنین شکلی یافته است. ما با مردم مستقیم و غیرمستقیم، از طریق تلفن و نامه صحبت کرده‌ایم. همه این افراد سرخورده‌اند. مردم به تجربه دریافته‌اند که جمهوری اسلامی نمی‌تواند به اهداف و خواسته‌های ایشان جامعه عمل ببوشاند. به نظر حزب ما اگر در راس حکومت جمهوری اسلامی فرد اصلاح‌طلبی مانند سیدمحمد خاتمی یا محافظه‌کاری با نامی دیگر باشد، تفاوتی به حال مردم ایران نمی‌کند. به همین دلیل ما تصمیم گرفته‌ایم که این بار برخلاف انتخابات پیشین [مجلس ششم] که از مردم خواستیم وارد معرکه انتخابات شده، به نامزدهای مورد اعتمادشان رای دهند؛ این بار از ایشان درخواست کردیم - اگر برایشان امکان دارد - به پای صندوق‌های رای نروند!

زرنگار - آقای خانبابا تهرانی، به نظر شما این نظریه که مردم نمی‌توانند با شرکت در انتخابات به خواسته‌هایشان برسند - با در نظر گرفتن چند انتخابات گذشته و اوضاع ایران - قابل قبول است؟
تهرانی - با نگاهی به شرایط ایران و وضعیت حساس آن، افراد آگاه سیاسی و حتا بسیاری از ناظران خارجی به این نتیجه رسیده‌اند که پس از گذشت حدود یک قرن از انقلاب مشروطه، این نخستین بار است که در جامعه ایران فرآیند انتقال تدریجی قدرت و حاکمیت به مردم آغاز شده است. این فرآیند در 4 سال گذشته تا آنجا پیش رفته است که مافیای قدرت و ثروت که منبع اصلی فشارهای سیاسی، فساد اقتصادی، بی‌عدالتی و استعمار در جامعه است، در عین حال متکی بر ساختار اقتصاد وابسته تجاری و دلالتی است، دچار ترس مرگ شده است. به همین دلیل تبلیغ هر نوع بی‌تفاوتی، نه تنها بی‌توجهی به این پیکار بزرگ سیاسی است؛ بلکه یک خطای تاریخی هم هست. واقعیت این است که داشتن پرسش‌های بی‌پاسخ در باره کارنامه چهارساله دولت خاتمی، دلیلی کافی برای تحریم انتخابات نیست.

من شخصا تحریم انتخابات را یک بی‌سیاستی می‌دانم؛ آن هم در شرایطی که نیروهای محافظه‌کار و تاریک اندیش، تمام نیروی خود را در جهت کاهش آرای تنها نامزد نیروهای اصلاح‌طلب متمرکز کرده‌اند. از سوی دیگر هم سیاست قلع و قمع نامزدهای انتخاباتی را تا جایی پیش برده‌اند که از مجموع بیش از 800 تن نامزدهای این دوره از انتخابات ریاست جمهوری، تنها محمد خاتمی از گرایش اصلاح‌طلبان باقی مانده است؛ آن هم در برابر 9 نامزد جناح محافظه‌کار. بسیاری از نیروهای دگراندیش - علیرغم چنین وضعی و با تمام انتقاداتی که به کارنامه چهارساله دولت دارند - ناگزیرند به محمد خاتمی رای بدهند. من هم مانند آقای حسن‌زاده و حزب دموکرات کردستان ایران، به حرکت و کارنامه چهار ساله محمد خاتمی انتقادات بسیاری دارم. ولی فراموش نکنیم که در این مدت تعادل قوا طوری بوده است که دولت خاتمی کار زیادی نمی‌توانست بکند. از سوی دیگر عدم قاطعیت‌ها و عدم یکپارچگی لازم و ناتوانی جبهه دوم خرداد، چنان بود که دولت نتوانست سرعت لازم را به فرآیند اصلاحات سیاسی و توسعه اقتصادی بدهد. اما این بار و این رای به خاتمی، ناشی از شرایط جامعه و صف‌آرایی نیروهاست. به قول یک نویسنده لهستانی: انسان همیشه نمی‌تواند انتخاب دلخواهش را داشته باشد. مواقعی هم هست که شرایط، وضعیت خاصی را برای انسان انتخاب می‌کند. به قول رفیق شهیدم دکتر عبدالرحمان قاسم‌لو: سیاست هنر ممکنات است. حالا هم وضع بدین‌گونه است. باید تاکید کنم که اگر برخی از نیروهای دگراندیش در کنار نیروهای اصلاح‌طلب دینی، انتخابات را تحریم

نکرده‌اند، در واقع رایشان را به فرآیند اصلاحات سیاسی، توسعه، گشایش فضای گفت‌وگو، نقد قدرت، تقویت نهادهای مدنی و روند مردم‌سالاری در سال‌های بعد داده‌اند؛ نه تائید نظام ولایت مطلقه فقیه!

زرنگار - آقای حسن زاده، شما گفتید که گروه‌های تشکیل دهنده نظام جمهوری اسلامی با یکدیگر تفاوتی ندارند. با این شناخت چرا شما انتخابات گذشته مجلس و دوم خرداد 1376 را تحریم نکردید؟

حسن زاده - من عرض نکردم که این‌ها باهم فرقی ندارند؛ بلکه گفتم: انتخاب شدن و یا انتخاب نشدن محمد خاتمی تغییری در سرنوشت مردم ایران نمی‌دهد. ما همواره گفته‌ایم که: بین طرز تفکر محمد خاتمی با دیگران اختلاف زیادی هست؛ ولی معتقدیم که با انتخاب ایشان - متأسفانه - تغییری در وضعیت مردم ایران پیش نیامده است.

زرنگار - می‌خواهید بگویید که اوضاع ایران در مقایسه با قبل از انتخابات چهار سال پیش فرقی کرده است؟

حسن زاده - من چنین عرضی نکردم. معلوم است که اوضاع فرق کرده است. ولی ما معتقدیم پیشرفت‌هایی که در رابطه با حقوق و آزادی‌های مردم ایران پیش آمده، ارمغان محمد خاتمی نیست. این مردم بوده‌اند که خاتمی را به این جا رسانده‌اند. من - برخلاف آقای تهرانی - فکر نمی‌کنم که شرکت نکردن در انتخابات یا دعوت به تحریم انتخابات، به معنای بی‌تفاوتی است. نه، تحریم انتخابات، کمال موضع‌گیری در برابر این وضعیت است. مردم ایران این بار باید انتخابات را تحریم کنند؛ مردم با تحریم به رژیم جمهوری اسلامی می‌فهمانند که با کلیت جمهوری اسلامی مشکل دارند.

به نظر ما هر کس که مدعی آزادی و خواستار دگرگونی در کل سیستم حاکمیت در جمهوری اسلامی است، باید این انتخابات را تحریم کند. حالا دیگر همه فهمیده‌اند که رای دادن در جمهوری اسلامی، رای به آزادی نیست. در انتخابات دور هفتم ریاست جمهوری - در خرداد 1376 - وقتی مردم به محمد خاتمی رای دادند، در واقع «نه» بزرگی بود که به کلیت جمهوری اسلامی گفتند. اما این بار شرکت در انتخابات و رای دادن به محمد خاتمی برای بار دوم، تائید وضع موجود است. وضع موجود هم - همانطور که می‌دانیم - این است که طی چهار سال گذشته اگر در زمینه آزادی، آزادی‌های دموکراتیک و بخصوص آزادی بیان گامی برداشته شده، ولی در دو سال اخیر عقب‌نشینی‌های زیادی انجام گرفته است.

محمد خاتمی - خود - از کسانی است که دعوت به مردم‌سالاری دینی می‌کند. او مدعی است که جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری را برقرار کرده است. ما معتقدیم که مردم ایران یک‌بار برای همیشه باید سرنوشت خودشان را در دست بگیرند و راهکارهای دیگری بیابند؛ تا به اهداف سیاسی‌شان نزدیک‌تر شوند. رای به خاتمی در دور دوم انتخاب خاتمی رای به اصلاحات نیست. خاتمی حالا دیگر علناً با انحصارطلبان هم‌صدا شده است. هدف اصلی خاتمی - به هر وسیله ممکن - حفظ جمهوری اسلامی است. من معتقدم که این بار خاتمی نه با رای طرفدارانش، بلکه با رای جناح مقابل انتخاب خواهد شد.

زرنگار - آقای تهرانی، به نظر آقای حسن زاده: عدم شرکت مردم در انتخابات، شرکت فعال در تعیین سرنوشتشان است. با توجه به تجارب گذشته آیا واقعا این‌طور است که اگر مردمی در انتخابات شرکت نکنند، نشانه شرکت فعال‌ترشان باشد؟

تهرانی - نخست اجازه بدهید به این نکته اشاره کنم که در دور قبل انتخابات ریاست جمهوری، در دوم خرداد 1376 علیرغم تحریم انتخابات از سوی تقریباً تمام نیروها و سازمان‌های اپوزیسیون، حتا جبهه ملی ایران و نهضت آزادی و دیگران، مردم به پای صندوق‌های رای رفتند و بی‌اعتنا به این تحریم‌ها با یک نافرمانی مدنی تکلیف معینی را روشن کردند. ضربه مشخصی هم به پیکر استبداد دینی وارد آوردند. من فکر می‌کنم که این‌بار نیز همین داستان - حتا با شدت بیشتری - تکرار خواهد شد.

اجازه بدهید در اینجا این نکته را هم روشن کنم که شرکت در انتخابات - با تمام اهمیت سیاسی آن - یک تکلیف نیست؛ بلکه نوعی حقوق شهروندی است و اتفاقاً از مهمترین حقوق شهروندی هم هست. هر کس بر اساس شناخت و میزان آگاهی‌اش می‌تواند از این حقوق استفاده کند.

من شخصا شرکت در این دوره انتخابات ریاست جمهوری را رای به یک اندیشه و طرز تلقی از کشورداری در برابر ارتجاع و استبداد دینی می‌دانم. همانطور هم که «کاک عبدالله» اشاره کرد. موضوع این دوره شخص محمد خاتمی نیست. خاتمی خود نیز مولود جنبشی است که از انقلاب مشروطه آغاز شده و همچنان در متن جامعه ایران جریان دارد. این جریان آنقدر ادامه خواهد یافت تا مردم بر سرنوشتشان حاکم شوند. تغییراتی هم که در بطن جامعه ما در طی این سال‌ها روی داده است، چنان شتاب و سرعتی دارد که با اوضاع چهار سال پیش کاملاً متفاوت است. سیاست‌گزاران و فعالین سیاسی کشور باید سیاستشان را بر اساس داده‌ها و متناسب

با این تحولات و تغییرات سریع تدوین کنند. در واقع این جنبش آزادی‌خواهی عمومی ملت ایران است که خاتمی و جریان اصلاحات را به پیش می‌راند.

این درست است که به قول «کاک عبدالله» محمد خاتمی در بسیاری از موارد عقب‌نشینی کرده است، من در این مورد بیش از هر کس دیگری در رسانه‌های عمومی به خاتمی انتقاد کرده‌ام؛ ولی کماکان معتقدم که جریان اصلاحات در میهن ما یک فرآیند بطنی و آرام است. چنین جریانی نمی‌تواند سرعت انقلابی داشته باشد. از این روی هر نوع شتاب زدگی و سرعت بخشیدن خارج از ظرفیت، به روند اصلاحات، نتیجه مثبتی نخواهد داشت. بگذارید این را هم اشاره کنم، شاید روشنگر وضع موجود و موقعیت روند اصلاحات در ایران باشد. کارشناسان جنگ‌های چریکی بر این عقیده‌اند که عمر متوسط یک چریک در جنگ‌های مسلحانه حداکثر 6 ماه است. با توجه به این موضوع می‌خواهم به این واقعیت اشاره کنم که در جنگی که در دو سال گذشته، میان اهل قلم و مطبوعات از یکسو و ارتجاع و استبداد از سوی دیگر بر سر آزادی در ایران جریان دارد، دیدیم که متوسط عمر هر نشریه و یا روزنامه از سه ماه تجاوز نمی‌کرد. می‌خواهم بگویم که پیکار مسالمت آمیزی را که ملت در این مرحله پیش رو دارد، به مراتب سهمگین‌تر، پیچیده‌تر و پرتلفات‌تر از جنگ‌های مسلحانه است. با درک چنین مسأله‌ای است که پیکار این دوره مردم ما فرصتی است که نباید از جانب نیروهای مسنول نادیده گرفته شود. ما در طول تاریخ مبارزات خود، در اثر بی‌اعتنایی به واقعیت‌ها فرصت‌های گرانبهایی را از دست داده‌ایم. شاید اگر از آن شرایط استفاده درست و به موقع می‌شد، می‌توانست تأثیرات و پیامدهای مثبت و دامنه‌داری داشته باشد. به باور من 18 خرداد امسال نیز مانند 2 خرداد 76 با نافرمانی مدنی مردم، به یک فرصت تاریخی بدل خواهد شد.

زرنگار - آقای حسن‌زاده، در صورت شرکت مردم در انتخابات و عدم توجه به فراخوان تحریم حزب دموکرات کردستان ایران، چه نتیجه‌ای خواهید گرفت؟

حسن‌زاده - به نظر من، این بار مسأله با سال 76 فرق دارد. برخلاف نظر دوستان آقای تهرانی، من معتقدم اگر در سال 76 علیرغم تحریم تقریباً تمام سازمان‌های اپوزیسیون، مردم به پای صندوق‌های رای رفتند؛ اما این بار اگر همه سازمان‌ها هم از مردم بخواهند که در انتخابات شرکت کنند، مردم با شور و هیجان پیشین به پای صندوق‌ها نخواهند رفت. پیش‌بینی من با پیش‌بینی آقای تهرانی تفاوت دارد. ما در آینده‌ای بسیار نزدیک نتیجه این نوع برداشت را خواهیم دید. در هر صورت جمهوری اسلامی می‌تواند مانورهایی بدهد، شرکت در انتخابات را اگر اندیسمان کند. چون به هر صورت دو جناح رژیم با هم توافق کرده‌اند و هر دو جناح هم سعی دارند عده زیادی را به پای صندوق‌ها بکشانند؛ به ویژه که از طریق رسانه‌های گروهی بین‌المللی می‌توانند عکس‌هایی هم به خارج بفرستند. با این همه اگر برخلاف تصور ما مردم در انتخابات شرکت کردند، ما به رای و خواسته مردم گردن می‌گذاریم.

تهرانی - اجازه بدهید من هم به موضوعی اشاره کنم. بدون شک میزان آرای مردم می‌تواند حتی چندین میلیون بالاتر یا پایین‌تر شود. این اساساً میزان نیست. میزان تعیین‌کننده پایداری مردم در سنگر مبارزه برای آزادی و حاکمیت ملی است. اگر چنانچه 18 میلیون نفر هم رای بدهند، همین مقدار رای هم نشان‌دهنده پیروزی خواست مردم است؛ خواست مردم‌سالاری و شکست استبداد دینی. نیروهای راست و محافظه‌کار هم که در اثر ضعف مطلق و انزوای کامل سیاسی در جامعه، قادر به معرفی نامزد مستقل و واحد، به عنوان رقیب در برابر خاتمی نشده‌اند، با انواع تاکتیک‌ها می‌کوشند میزان رای محمد خاتمی را پائین بیاورند. از سوی دیگر می‌خواهند القا کنند که خاتمی نماینده همه جناح‌هاست. یعنی اگر جناح راست کاندید مستقلی معرفی می‌کرد، دست بالا می‌توانست دو میلیون رای بیاورد. و این نتیجه - خود - نموداری می‌شد از شکست کامل آن جناح و بسته شدن دفتر ارتجاع!

حسن‌زاده - من فکر می‌کنم باید پیکار مردم با ارتجاع را از پیکار درون حاکمیت جدا کنیم. متأسفانه پیکار در درون حاکمیت به جایی راه نخواهد برد. بهترین راه این است که مردم جدای از حاکمیت و کشمکش‌های درون حاکمیت، راه خودشان و مبارزه خودشان را پیش ببرند. این بهترین راه است.

تهرانی - تانید من از شرکت در انتخابات تنها به این معناست که مشارکت مردم و فشار بر روند اصلاحات و جریان توسعه سیاسی - مستقل از حرکت و کشمکش‌های دو جناح حاکمیت - فرآیند نزدیک شدن به مردم‌سالاری را تسریع می‌کند. انتخابات 18 خرداد ماه امسال هم مانند تمام انتخابات دوره‌های گوناگون تاریخ میهن ما نه آزاد است و نه دموکراتیک. ما هم به خوبی به این واقعیت واقفیم؛ منتها انتخابات در این دوره، عرصه‌ای از پیکار تاریخی مردم با استبداد است. فراموش نکنیم که تمام دموکراسی‌های دنیا از چنین پیچ و خم‌های غیردموکراتیک و غیرآزادی عبور کرده‌اند، تا توانسته‌اند به مرحله دموکراسی عالی برسند. در صورت مشارکت

وسیع مردم در این انتخابات، شانس اصلاحات و تغییرات دموکراتیک و ساختاری در ایران، به همت نیروهای بیرون از مدار حاکمیت افزایش خواهد یافت. نباید این فرصت تاریخی را از دست داد.